



عنوان: فراتحلیلی بر مطالعات آموزش شغلی (کارآفرینانه) با تأکید بر مهارت‌های کارآفرینانه در ایران

زهرا محمدیان^{۱*}، حسین عبدالمهی^۲، علی دلاور^۳، کمال سخدریان^۴

اطلاعات مربوط به
مقاله

چکیده

بیکاری نوجوان و جوانان و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن در شرایط بحرانی کشور، آموزش شغلی کارآفرینانه را به عنوان یک موضوع مهم مطالعاتی، موردنظر پژوهشگران رشته های مختلف قرار داده است. هدف این پژوهش ارزیابی تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در حوزه آموزش کارآفرینانه در ایران است. این پژوهش برای اولین بار در ایران به شیوه فراتحلیل انجام گرفت. هدف پژوهش حاضر، شناسایی روندهای حاکم و محتوای پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینی، ارزیابی روش شناسی این پژوهش ها و تبیین چشم اندازی برای ارتقاء پژوهش های این حوزه است برای دستیابی به این اهداف، ۳۵ مقاله علمی- پژوهشی در زمینه آموزش شغلی کارآفرینی در حوزه رویکردهای کارآفرینانه در کشورمان با استفاده از روش فراتحلیل در شش گام بررسی شدند. یافته های پژوهش در چهار بخش سیمای کلی پژوهش های پیشین، یافته های مرتبط با روش شناسی پژوهش ها و یافته های رویکرد پژوهی، تبیین شده توزیع جغرافیایی پژوهش ها و در انتها، راه کارها و توصیه هایی ارائه شدند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که تمرکز پژوهش ها بر برنامه ها و الگوهای کاربردی محدود بوده و بیشتر از منظر روش شناختی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته اند. پژوهش ها بیشتر جنبه نظری داشته و برنامه های آموزشی و راهکارهای عملیاتی ارائه نداده اند. آموزش کاربردی کارآفرینی از طریق بومی سازی برنامه های شغلی کارآفرینی در سطوح نگرشی، راهبردی و عملیاتی کشورهای توسعه یافته مانند آلمان می تواند شاه کلید و راهکار اجرایی در زمینه کارآفرینی باشد.

کلید واژگان
فراتحلیل، آموزش شغلی، کارآفرینی، آموزش شغلی کارآفرینانه، آموزش و پرورش.

^۱. دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. mohamadian.net@gmail.com
^۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Hosein_Abd@hotmail.com
^۳. استاد ممتاز گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Delavarali@yahoo.com
^۴. دانشیار گروه کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران. kasakhdari@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از مهم ترین اهداف برای آموزش کارآفرینی در مدارس، دانشگاه ها و کارگاه ها، باریک شدن شکاف بین توانایی های عملی و مهارت های کارآفرینانه افراد می باشد. برنامه هایی که می توانند به ترویج و درک درستی از کارآفرینی بپردازند. همچنین این آموزش ها و مهارت ها می توانند استعداد افراد را فعال کرده و سطح آگاهی های آنان را برای انتخاب شغل در آینده افزایش دهند. (اکبری، ۱۳۹۰).

اکت و ژرب (۲۰۱۶) پیشنهاد کردند که کارآفرینی باید از طریق آموزش های قبل از دوران دانشگاهی دنبال شود تا به عنوان یک مسیر شغلی مناسب مورد تشویق قرار گیرد. از این رو مراکز آموزشی ما باید بتوانند، با هدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ روحیه کارآفرینی در بین دانش آموزان، دانشجویان و داوطلبین شغل به وسیله برنامه های آموزشی ویژه از قبیل خلاقیت، توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصت ها، تمایل به مخاطره پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن ارائه دهند. بهسازی و ارتقای سطح توانمندی های انسان ها و نظام اجتماعی از سیاست های اصلی و ماموریت های بایسته و شایسته یک نظام کارآمد و پویا محسوب می شود، همه بر این باورند که بزرگ ترین سرمایه هر کشور افراد جامعه می باشند و در واقع جوانان هر جامعه مهم ترین عامل دستیابی به اهداف آن جامعه به شمار می روند، در این میان نقش محیط آموزشی و برنامه های آموزشی شغلی در مدارس و دانشگاه ها غیر قابل انکار است (خاتمی و شاه حسینی، ۱۳۹۱)..

ارگان آموزش و پرورش به عنوان مهم ترین نهاد آموزشی کشور، با تدوین راهبردها، خط مشی ها و برنامه های عملی - آموزشی به منظور ایجاد و گسترش مهارت ها و رفتار کارآفرینانه و ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت کارآفرینان در بازار کار، به دنبال رفع موانع و ایجاد ارتباط و همکاری بین بخش های عرضه مهارت و بازار کار بوده است و برنامه های آموزشی و شغلی لازم را برای شروع فعالیت کارآفرینان فراهم کرده است (لندستروم و همکاران، ۲۰۱۷).

در ایران نیز با وجود اهمیت آموزش کارآفرینی در توسعه کشور، توجه سیاست گذاران به مقوله کارآفرینی عمری کوتاه دارد و از همین رو، ابزارها و سیاست های آموزش کارآفرینی آنگونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵). به تبعیت از آن، دانش آموزش شغلی کارآفرینانه نیز سابقه چندانی ندارد. هر چند در سالیان اخیر، توجه پژوهشگران به پژوهش در موضوعات مختلف مرتبط با آموزش کارآفرینی نشان از رشد تلاش های علمی پژوهشگران در این حوزه داشته است. علی رغم پژوهش های انجام شده، عدم تدوین و طراحی یک الگو یا برنامه مدون آموزش شغلی کارآفرینانه و پژوهش های پراکنده در این حوزه، برآیندهای متفاوتی در نوع مهارت ها، سطوح آموزشی، ابزارهای آموزشی، بازیگران حوزه آموزش کارآفرینی، مخاطبان آموزش کارآفرینی ایجاد کرده است. در این شرایط، توجه و دقت نظر نسبت به عملکرد عرصه دانش و پژوهشی آموزش و پرورش عمدتاً در موضوع برشماری و احصاء مهارت ها و مولفه های آموزش شغلی کارآفرینانه در این حوزه، مسأله اساسی است. با جستجویی در پژوهش های انجام گرفته در حوزه آموزش شغلی کارآفرینی می توان نتیجه گرفت که تمرکز و هسته اصلی این پژوهش ها، بر یافتن پاسخ به پرسش هایی بوده است که احصاء و شناسایی مولفه ها و مهارتهای آموزش شغلی کارآفرینانه در این پژوهش ها را در بر داشته است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با داشتن چشم اندازی بر این پژوهش ها به مواردی این چنین بپردازد.

- بررسی روند حاکم بر فرایند آموزش شغلی کارآفرینانه پیش و پس از انقلاب در آموزش و پرورش کشورمان.

- بررسی محتوای برنامه های آموزش شغلی کارآفرینانه مورد توجه پژوهشگران.

- بررسی روش شناسی، راهبردها و ابزارهای پژوهشی در این پژوهش ها.

- بررسی نوع دانش و الگوهای تولیدی در این حوزه.

- ارائه پیشنهادها و محدودیت های حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه.

برای بررسی این مقولات، پژوهش های مرتبط با آموزش شغلی و حرفه ای و کارآفرینی در کشورمان مورد مطالعه و مبنا قرار داده شد. و با استفاده از روش فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی، روندها، محتوا، روش شناسی و دانش موجود بررسی و ارزیابی شده و در انتها نتیجه گیری و توصیه ها ارائه شد.

مبانی نظری

انتخاب های شغلی از مهم ترین تصمیم گیری هایی اند که مردم در طول زندگی اتخاذ می کنند (آتاناسو و وان اسپورک، ۲۰۱۸). مهم ترین نهاد اجتماعی که به انتخاب های صحیح شغلی افراد کمک شایانی می کند نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد مسئولیت مهمی در تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بر عهده دارد. امروزه آموزش و پرورش بیشتر به شکل رسمی و سازمان یافته جریان دارد (پیراسته، ۱۳۹۴) و از این نهاد رسمی انتظار می رود پاسخگوی نیازهای جهان امروز از جمله تورم، بیکاری، عدم توسعه یافتگی شغلی و حرفه ای و دیگر عوامل بازار کار و مارکتینگ باشد تا فارغ التحصیلان دبیرستان ها، دانشگاه ها و آموزشگاه ها بعد از فارغ التحصیلی، توانمندیا و مهارتهای لازم را جهت احراز شغل مناسب با مهارت ها، و توانمندی های کارفرماینده داشته باشند و بتوانند شغلی بیابند و یا بیافرینند.

از مسایل دوره متوسطه در حوزه آموزش و کارآفرینی، ضعف جنبه های کاربردی و عملی برنامه های این دوره است. که با اجرای طرح های گوناگون ناموفق مانده است. برخلاف دیدگاه اجتماعی گذشته و موجود، این دوره نباید صرفاً مقدمه تحصیلات عالی تلقی شود، بلکه باید به گونه ای طراحی شود که پس از این مقطع تحصیلی، درصد متناسبی از فارغ التحصیلان، بتوانند روانه بازار کار و اشتغال شوند. این امر زمانی میسر خواهد شد که بیش از پیش دانش آموزان با واقعیتهای ملموس دنیای اشتغال و با فعالیت های کارفرماینده و مولد در برنامه های آموزشی آشنا شوند و آموزش های شغلی لازم را ببینند. (آقامحمدی، ۱۳۹۸ از طرفی دانش آموزان متوسطه نظری، هنگام فراغت از تحصیل دیپلم ممکن است، قصد ادامه تحصیل در دانشگاه را نداشته و درصدد یافتن شغل باشد که البته و نسبت به دانش آموزان رشته فنی و حرفه ای، مهارتها و آموزشهای لازم در خصوص فعالیت های موفق اشتغال یا کارآفرینی را نیز جهت ورود به بازار کار در مدارس را نیاموخته اند (چهاربند، ۱۳۹۱). بنابراین متخصصان آموزشی نیاز به یک برنامه جامع آموزش شغلی مبتنی بر مولفه های کارآفرینانه را دو چندان دریافته اند. اگرچه در دو دهه گذشته تحولات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیستم آموزشی متوسطه و دانشگاهی ایران صورت گرفته است، و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما نیز مطرح شده است؛ ولی نتایج مطالعات نشان می دهد که هنوز مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود دارد. (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸). و در حوزه برنامه آموزشی، مولفه های کارآفرینی دانش آموزان، پژوهش های متنوع و پراکنده ای انجام شده است که حوزه های آموزش کارآفرینی و مهارتهای کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده اند. در اینجا فراتحلیلی مروری بر آنچه که گریزی بر جنبه های مختلف آموزش شغلی، مهارتها و مولفه های کارآفرینی است انجام خواهد شد.

برای اولین بار کارآفرینی^۱ در تئوری های اقتصاد و سپس در مدارس مطرح شد (مرتضوی و بهرامی، ۲۰۱۲). از نظر حکمت اندیش (۱۳۹۳) کارآفرینی فرآیند خلق چیز جدید و ارزشمندی است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و درنظر گرفتن مخاطرات مالی، روانی و اجتماعی و با ارضای نیازهای فردی و مالی توأم با استقلال تحقق می یابد. بر اساس نتایج مطالعه پترونیت و البیناتی^۲ (۲۰۱۹) می توان به چنین واقعیتی اذعان داشت که کارآفرینی به عنوان یک زمینه تحقیقاتی پویا به سرعت در حال رشد بوده و دارای سنت فکری دیرینه ای می باشد که کارآفرینی را با نوآوری، رشد اقتصادی، ریسک و عدم اطمینان همراه دانسته اند.

آموزش کارآفرینی فرآیندی برای آماده کردن دانش آموزان و افراد با توانایی شناخت فرصت های تجاری، عزت نفس، انگیزه، دانش، مهارت و بینش برای عمل کردن در آنهاست تا در محیط های مختلف، نگرش کارآفرینانه آنها را تقویت کند (اولوگبول^۳، ۲۰۱۷). امروزه آموزش کارآفرینی در سطح جهانی به عنوان نوعی ابتکار عمل جمعی در دانشگاه ها، دانشکده ها، مدارس فنی و حرفه ای، دبیرستان ها و مدارس ابتدایی توصیف می گردد که همگی جهت توسعه ظرفیت کارآفرینانه دانش آموزان هدف گذاری می شوند (جونز، ۲۰۱۹).

تا نیمه دوم قرن ۱۹ مفهوم کارآفرینی با ریسک پذیری و اشتغال عوامل تولید همراه بود. اما پس از پایان قرن ۱۹ و در آغاز قرن ۲۰ درک این مفهوم تا حد زیادی گسترش یافت. یک کارآفرین یک مدیر کسب و کار با توانایی های ویژه و یک شخصیت خالق و

^۱. Entrepreneurship

^۲. Petronyte & Ulbinaite

^۳. Olugbola

مبتکر است. ابتکار عمل نیروی محرکه تولید است که با تلاش درگیر و توانایی کارآفرین انجام می‌شود و منجر به سود و ضرر می‌گردد. از لحاظ تاریخی مفهوم کارآفرینی اساساً رشد کرده است. به گفته مارشال^۱ توانایی‌های خاص یک فرد در اجرای یک کسب و کار، که از پدر و مادر خود به ارث برده، گرفته می‌شود (بیکسا، ۲۰۱۴).

علی‌رغم اینکه در کشورهای پیشرفته دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد به موضوع کارآفرینی توجه جدی شده و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم از اواخر دهه ۱۹۸۰ این موضوع را مورد توجه قرار داده اند، در کشور ایران تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته بود. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادث‌تر شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. در برنامه اخیر، توسعه کارآفرینی در سطح وزارت خانه های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و فلزات و همچنین مؤسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت های آنها، مطرح شده است. متأسفانه واژه کارآفرینی موجب شد که معنی ایجاد کار و یا اشتغال زایی از این واژه استنباط شود.

کارآفرینی مفهومی وسیع‌تر و با ارزش‌تر از اشتغال‌زایی دارد. ربط دادن کارآفرینی به اشتغال‌زایی و همچنین تورم نیروی انسانی بیکار در جامعه (به ویژه در بین دانش‌آموختگان)، موجب شده بسیاری از سیاست‌هایی که برای توسعه آن اتخاذ شده و نیز در بخشنامه‌ها و سخنرانی‌های مسئولان در این خصوص، صرفاً جنبه اشتغال‌زایی برای آن در نظر گرفته شود. در حالی که کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری مانند: بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی است و در صورتی که فقط به جنبه اشتغال‌زایی آن توجه شود، از سایر پیامدهای آن بی‌بهره خواهیم ماند (احمدپور داریانی، ۱۳۹۳).

آموزش شغلی کارآفرینانه، می‌تواند کارآفرینی را به عنوان ایجاد کننده یک جایگاه شغلی پایدار در آینده شغلی افراد تبیین کند و فرهنگ کارآفرینی را در میان آنان توسعه دهد (کرکلی، ۲۰۱۷). اگرچه در دو دهه گذشته تحولات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیستم آموزشی ایران صورت گرفته است، و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما نیز مطرح شد؛ ولی نتایج مطالعات نشان می‌دهد که هنوز مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود دارد از جمله: پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری برای آموزش کارآفرینی، عدم توجه به ابعاد مختلف توسعه و آموزش کارآفرینی، توجه کم به آموزش عملی، عدم تطابق محتوای برنامه‌های درسی با شرایط و نیازهای بازار کار و همچنین عدم توانایی در ایجاد کار به وسیله فارغ‌التحصیلان (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸). لذا درباره شکاف بین توانایی‌های عملی و مهارت‌های کارآفرینی افراد، توجه به این نکته ضروری است که به صرف گذراندن دوره‌های آموزش کارآفرینی، فرد مهارت‌های شغلی کارآفرینانه را کسب نخواهد کرد و یک کارآفرین نخواهد شد، بلکه باید مولفه‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه به کسب و کار نیز داشته باشد... (شوال، ۲۰۱۴).

آموزش شغلی در ایران، تاکنون فراز و نشیب‌هایی داشته است که با نگاهی گذرا به آن میتوان سیر تحول آن را بررسی کرد. اولین برنامه جدی آموزش شغلی با کنفرانس ملی کار قبل در سال ۱۳۳۸ شروع شد که به مسئله افزایش فرصت‌های شغلی، آموزش مهارت‌های اولیه شغلی و شرایط مناسب برای اشتغال بیشتر و کاهش بیکاری در جامعه، توجه شده بود. (سلجوقی، ۱۳۹۲). و در سال ۱۳۶۰ با عنوان طرح تلفیق کار و دانش و اندیشه پیوند «علم و عمل» مجدداً جهت آموزش شغلی مطرح شد که نخستین گام برای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش بود ولی به دلایلی طرح مناسب نبود و لغو شد. (طرح کاد، ۱۳۶۳)، بعد از تعطیلی طرح کاد، با تغییر نام اصلاحاتی در آن انجام شد و به نام «طرح کاج» در سال ۱۳۸۹، تغییر یافت که با هدف آموزش مباحث کارآفرینی پیش از انتخاب رشته دانشگاهی به دانش‌آموزان در تهران اجرا شد. این طرح برای دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بود و دانش‌آموزان در طول این دوره‌ها با مفاهیم کارآفرینی و

^۱. Marshal

^۲. Kirkley

کسب و کار، خلاقیت و شناخت فرصت، نوشتن طرح کسب و کار در شش رشته آشنا می شوند. (مرادی، ۱۳۹۰). با تکمیل طرح های قبلی، طرح کاشف و طرح اتاق کارآفرینی مدارس بوجود آمدند که این دو نیز نتوانستند کاستی های آموزش شغلی در راستای یافتن مهارت های و مولفه های کارآفرینانه را مرتفع طرح هایی که همچنان نتوانستند، پلی بین مدرسه ها، کارفرمایان و محیط کار ایجاد کنند و عملاً تاکنون روی کاغذ باقی مانده و اجرایی نشده اند. که البته این ناشی از اختلال در تعامل میان سه ضلع مثلث سیاست، پژوهش، و عملکرد حرفه ای بوده و ایجاد توانایی و مهارت دانش آموختگان در کارآفرینی و کارجویی را ناکام گذاشته است.

در تاریخچه آموزش شغلی، آموزش و تربیت شغلی ۱ همیشه بعنوان یک راه حل، برای ارتقاء فرصت های شغلی جوانان بیکاری که در داشتن مهارت و توانمندی و انگیزه برای یافتن یا ادامه شغل، کمبود داشته اند، محسوب می شده است. (زیمرن، ۲۰۱۳). از طرف دیگر، سازمانها برای تجدید ساختار خود، ایجاد فرایندهای جدید، تطابق با تغییرات محیطی و فرایندهایی که ساختارها و محصولات رابروز نگه دارد، نیاز به افراد ماهر و نیمه ماهر دارد و اگر نتواند چنین افرادی را استخدام کنند بعد از مدتی به حالت سکون و عدم تعادل برگشت داده و در نهایت قادر به ادامه حیات خود نخواهد شد. به دلیل اهمیت داشتن این پدیده، بیشترین توجه ها و تلاش ها بر این است که کارآفرینی و اشتغال همچنان بعنوان موضوعات اصلی در برنامه شغلی مدارس و سازمانها گنجانده شود، زیرا این دو، افراد را برای داشتن شغل خود بعد از اتمام تحصیلات و گسترش دانش و توانایی خود در خصوص شغل آینده تحریک خواهد کرد. (ساسکیا، ۲۰۰۸). همینطور آموزش های شغلی نقش مهمی در بهبود سرمایه انسانی و ترسیم مسیر برای کشورها بازی می کنند. در کشورهای درحال توسعه، آموزش های شغلی یکی از بخش های آموزشی است که اولویت بسیار کمتری در فرمول بندی سیاستی، تأمین بودجه و نظارت نسبت به سایر بخش ها مانند آموزش پایه به آن داده شده است فوتی و مافسا (۲۰۰۷)، که اشاره کرد که آموزش و کارآموزی شغلی نقش مهمی در نوآوری سازمانی و معرفی نوآوری جدید دارد.

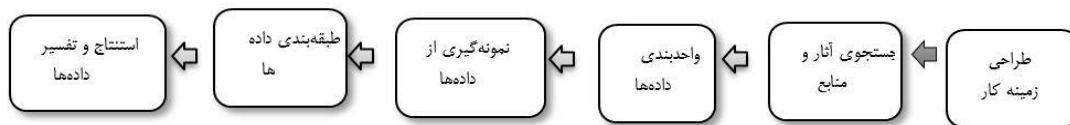
روش شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از کلید واژه های کارآفرینی، برنامه شغلی، خلاقیت، شغل، آموزش شغلی، کارآفرین و نظیر اینها در پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی آی اس سی، پاب مد، سایک اینفو، گوگل اسکالر، اریک، مدلاین، ای اس ای، اس آی دی، مگ ایران، ایران داک، ایران مدکس، ایران سایک"، ریک، ایراست ۱۲، سایک آرتیکلز، اس سی آی /اس سی آی ها و موتورهای جستجوی گوناگون به یافتن و جمع آوری تمام مقاله های منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی، خلاصه مقالات همایش ها، نتایج پژوهش های کشوری و استانی، پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری که به بررسی آموزش شغلی و کارآفرینی در ایران پرداخته بودند اقدام شد. همچنین برای یافتن پایان نامه های کارشناسی ارشد، دکتری و دکترای حرفه ای که گزارش پژوهشی آنها به صورت مقاله چاپ نشده بود به دانشگاهها و مؤسسه های آموزش عالی مراجعه شد. بدین ترتیب تمامی پژوهش های انجام شده در فاصله ی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ گرد آوری شدند.

در این تحقیق از روش فراتحلیل استفاده شده است. هدف فراتحلیل، ایجاد پیوستگی و انسجام بین نتایج پژوهش های مختلف در یک زمینه خاص است. در این روش با ترکیب پژوهش های پیشین و یکدست سازی آنها با استفاده از روش های آماری، نتایج برانکده و ناهماهنگ این پژوهش ها دقیقتر و منطقی تر می گردد. (سکستون؛ ۲۰۰۶ به نقل از نادری، ۱۳۹۶). در روش فراتحلیل همانند روش های هرمونیک، پدیدار شناختی و توجه به نگاه تفسیری-تحلیلی و مفاهیم، حائز اهمیت است. عموماً فراتحلیل را به عنوان روشی کمی می شناسند اما رویکرد کیفی به فراتحلیل و نمایان سازی مولفه ها و مفاهیم محتوایی مسئله مورد پژوهش، قابلیت قرار گرفتن این روش در زمره روش های کیفی را دارد (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵). بنابراین پژوهش حاضر، از نوع پژوهش های کیفی است که هدف آن، ترکیب نتایج مطالعات انجام شده و به دست آوردن نتایج جدید است. همچنانکه به نظر شان (۲۰۰۸) هدف اصلی فراتحلیل، تفسیر داده ها برای توسعه مفاهیم و شناسایی تم های مهم تحقیقات پیشین است.

^۱.Occupational education and training

در این پژوهش از فرآیند فراتحلیل که توسط کریپندورف تدوین شده، استفاده شده است. در این فرآیند، در گام اول، زمینه کار (تعیین محیط پژوهش و متدولوژی) طراحی شده، سپس در گام دوم، آثار و منابع جست و جو می شوند. در گام سوم محقق به واحد بندی داده ها (مضامین، پیام های مهم، واژگان و ...) می پردازد و در گام چهارم، نمونه گیری از داده ها (نکات مهم متن) انجام شده و داده های لازم برای گام پنجم به منظور تقلیل داده ها و تنزل آنها به چند گونه طبقه استخراج می شوند. در گام پایانی نیز استنتاج و تفسیر داده ها صورت می گیرد.



شکل ۱. فرایند پیش بینی شده برای انجام تحقیق با روش فراتحلیل (کریپندورف، ۲۰۰۳)

برای اجرای فرآیند مذکور، ابتدا زمینه کار با بررسی ادبیات موضوع در حوزه آموزش شغلی کار آفرینانه از طریق مطالعه اسناد آغاز شد و با تکیه بر مفاهیم نظری مرتبط، آثار و منابع مرتبط جست و جو و بررسی شدند. برای فراتحلیل مطالعات آموزش شغلی کار آفرینانه در ایران، ۳۵ پژوهش های منتشر شده در قالب مقالات گردآوری شدند.

نمونه گیری به صورت تمام شماری انجام شده و در مجموع ۳۵ مقاله که ارتباط مستقیمی با موضوع داشتند، شناسایی، کدگذاری و تحلیل شدند. در این پژوهش محقق از رویکرد فراتحلیل استقرایی (حرکت از جزء به کل) برای ساماندهی داده ها استفاده کرده است. برای تقلیل داده ها و طبقه بندی آنها، چارچوب تحلیلی در سه محور کلی (یافته های توصیفی، یافته های مرتبط با روش شناسی پژوهش ها و یافته های رویکردی) و در مجموع در قالب ۲۵ مقوله تحلیلی، طراحی شد. در نهایت، داده های پژوهش در فرآیندی اکتشافی، تحلیل و تفسیر شده و نتایج ارائه شدند.

اعتبار سنجی (روایی و پایایی این پژوهش از حیث روش تحقیق و نتایج حاصل شده به روش های متعددی بررسی شد. نخست آنکه در انتخاب آثار، طیف وسیعی از یافته های مطالعات قبلی در کانون توجه قرار گرفت نه طیف محدودی از آنها. بدین نحو که در مقالات، ترکیبی از نظرها و دیدگاه های مختلف، ملاحظه و وارد آثار منتخب شد و فهرست آثار انتخاب شده از نظر علمی بودن، بررسی و آثار غیر مهم یا زورنالیستی و ضعیف حذف شدند. همچنین از آنجا که در این پژوهش اجزاء و عناصر پیشنهادی در تحقیقات پیشین تحلیل و تفسیر شده است، بنابراین استفاده از نتایج تحقیقات پیشین که روایی آنها قبلاً تأیید شده است، خود به روایی بیشتر منجر می گردد.

برای تأمین پایایی یافته های تحقیق، وجود یک طرح اجرایی و روش نظام مند برای تحقیقات کیفی، تا حد زیادی مشکلات ناشی از عدم پایایی یافته ها را کاهش می دهد. طرح اجرایی، تدبیر یا شیوه اجرایی برای بالابردن درجه پایایی است و هدف آن، هدایت و راهنمایی پژوهشگر در طول تحقیق است (فایول، ۲۰۱۳) از آنجا که فرآیند پیش بینی برای انجام این پژوهش، گام های مشخص و از پیش تعیین شده ای داشته است، به صورتی کاملاً نظام مند و ساختار یافته اجرا شده و در تمامی مراحل از روشی مکتوب و منسجم استفاده شده است. بنابراین پایایی لازم برای نتایج محقق گشته است. همچنین خود بازبینی پژوهشگر در فرآیند گردآوری و تحلیل داده ها، از دیگر روش ها برای افزایش قابلیت پایایی پژوهش است (اکت، ۲۰۱۶). در گام های مختلف تحقیق این موضوع حمایت شده است.

یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها

یافته های این پژوهش جهت ارزیابی فراتحلیل مطالعات آموزش شغلی کار آفرینانه در ایران در قالب سه بخش به تفکیک ارائه شده است. همچنین در هر یک از بخش ها، نحوه تحلیل، ارزیابی و دسته بندی مطالب به تفصیل تشریح شده است.

الف: یافته های توصیفی (سیمای کلی پژوهش های پیشین)

موضوع اول، به ارائه یافته های توصیفی اختصاص دارد. در این بخش، محتوای عمومی و اطلاعات کلی پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر سال انجام پژوهش، محورهای موضوعی و ... بررسی شدند که نتایج آن به شرح جداول ۱ و ۲ و شکل ۲ است.

جدول ۱. توزیع وضعیت آثار بر حسب سال انجام پژوهش، جنسیت و تعداد پژوهش گران

سال پژوهش	فراوانی	درصد	جنسیت	فراوانی	درصد	تعداد محقق	فراوانی	درصد
۱۳۸۸-۱۳۹۰	۲	۶٪	زن	۳	۹٪	فردی	۷	۲۰٪
۱۳۹۱-۱۳۹۶	۱۸	۵۲٪	مرد	۱۵	۴۳٪	دو نفر	۹	۲۵٪
						سه نفر	۱۰	۲۸٪
۱۳۹۷-۱۴۰۱	۱۵	۴۲٪	ترکیبی	۱۷	۴۸٪	چهار نفر و بیشتر	۹	۲۵٪
جمع کل	۳۵	۱۰۰٪	جمع کل	۳۵	۱۰۰٪	جمع کل	۳۵	۱۰۰٪

آنگونه که از جدول ۱ مشخص است، تا پیش از سال ۱۳۸۸ مقاله ای در حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی به صورت رسمی و در مجله معتبر، چاپ و منتشر نشده است و بیشتر پژوهش های این حوزه در سالیان اخیر انجام شده است. این روند رو به رشد، نشان از درک اهمیت موضوع آموزش شغلی و کارآفرینی در سال های اخیر دارد. ضمن آنکه تاکنون، برنامه های متعددی از سوی نهادهای مختلف و آموزش و پرورش برای کار آفرینی در کشور، تنظیم و ابلاغ شده و نیاز به پژوهش هایی برای ارزیابی و تحلیل این آموزش ها بیش از قبل احساس می شود.

از نظر جنسیت پژوهشگران، جدول ۱ گویای حضور بسیار کمتر زنان در این عرصه پژوهشی است. و همچنین در انجام این پژوهش ها، تحقیقات گروهی بیشتر به چشم می خورد و تنها ۲۰ درصد از تحقیقات به صورت فردی انجام شده است که منطبق با ماهیت مشارکتی پژوهش و تحقیق در حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی است.

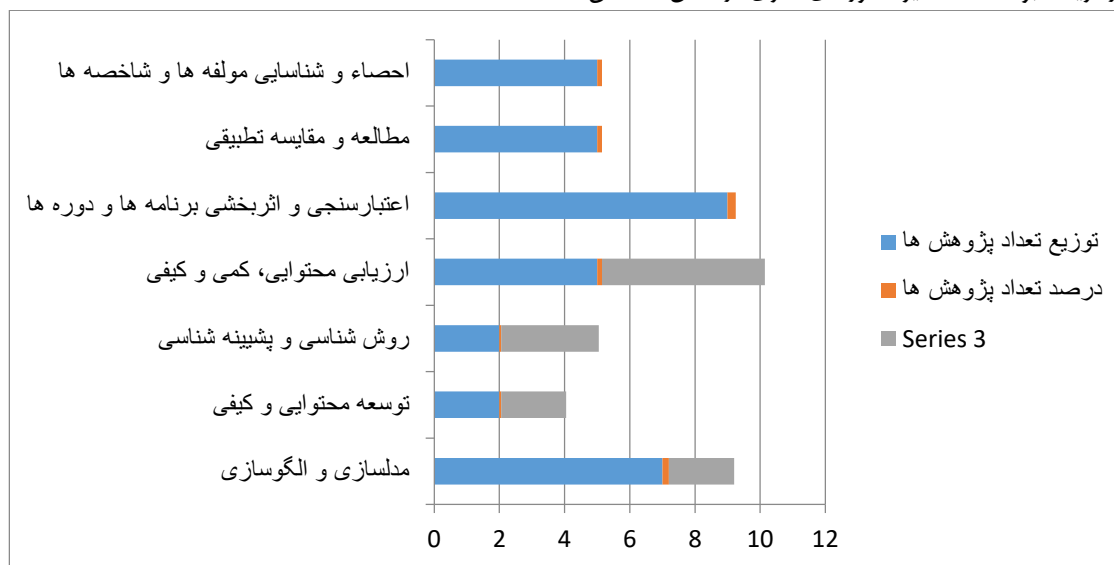
موضوع دوم، حوزه تخصصی پژوهش گران و محققین حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی است. از منظر نویسندگان آثار، پژوهش گران رشته مدیریت آموزشی (زیرگرایش رشته علوم تربیتی با ۲۷ در صد در رتبه اول، پس از آن محققین کارآفرینی (۱۹۱ درصد) و برنامه ریزی درسی (۱۱ درصد) و سپس، سایر رشته ها قرار دارند. نکته قابل توجه در این بخش از پژوهش، تنوع رشته های پژوهشی در حوزه مطالعات کارآفرینی است که تاییدی بر میان رشته ای بودن این حوزه پژوهشی و توجه رشته هایی نظیر مهندسی کشاورزی و فناوری به این مقوله است (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع وضعیت نویسندگان آثار بر حسب رشته تحصیلی پژوهشگران

رشته تحصیلی	مدیریت آموزشی	کارآفرینی	برنامه ریزی درسی	مهندسی کشاورزی و فناوری	مشاوره	مدیریت، اقتصاد و حسابداری	جغرافیا و علوم اجتماعی و آمار	مدیریت و برنامه ریزی آموزشی عالی	جمع کل
فراوانی	۲۱	۱۹	۱۱	۹	۸	۵	۴	۳	۸۰

درصد	۲۷٪	۲۴٪	۱۴٪	۱۱٪	۱۰٪	۶٪	۵٪	۴٪	۱۰۰٪
------	-----	-----	-----	-----	-----	----	----	----	------

از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری، پژوهش‌ها به ۷ گروه قابل تفکیک است. تعداد پژوهش‌های مرتبط با هر محور به شرح شکل ۲ است. بیشترین فراوانی مربوط به پژوهش‌های مرتبط با اعتبارسنجی و اثربخشی برنامه‌ها و دوره‌های آموزش شغلی کارآفرینانه بوده است. سایر محورهای نظری در شکل مشخص است.

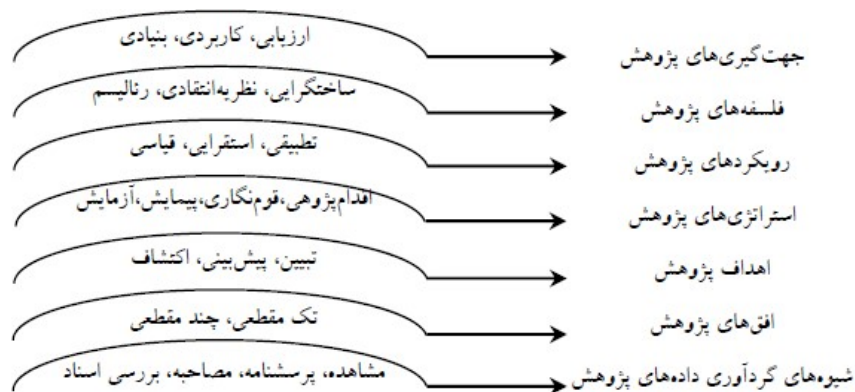


شکل ۲. توزیع پژوهش‌های آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر موضوعات محوری و هسته پژوهشی

در یک نگاه کلی به شکل فوق، می‌توان تمامی ۷ محور شناسایی شده در پژوهش‌های مرتبط با آموزش کارآفرینی را در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد.

دسته اول به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، الگوسازی و مدلسازی برنامه‌ها و دوره‌های آموزش شغلی کارآفرینانه می‌باشد که عمدتاً به دنبال ایجاد و طراحی الگوهای نوین و کارآمد در بخش‌های آموزشی و دانشگاهی می‌باشد. دسته دوم به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، ارزیابی، اعتبارسنجی و اثربخشی برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی شغلی کارآفرینانه در متن سیستم آموزش رسمی و غیر رسمی است. نهایتاً دسته سوم به توسعه دانش و احصا و شناسایی مولفه‌ها و شاخصه‌های آموزش شغلی کارآفرینانه اختصاص دارد.

در بخش دوم، پژوهش‌های آموزش شغلی کارآفرینانه با توجه به روش‌شناسی انجام پژوهش تحلیل می‌شوند. از آنجا که پژوهش‌ها از نظر ماهیت موضوع، سوالات و اهداف، عوامل و متغیرهای موثر بر مولفه‌ها، شاخصه‌ها و ... با یکدیگر متفاوتند، بدیهی است که پارادایم، استراتژی و روش تحقیق متناسب و خاص خود را داشته باشند. فراتحلیل انجام گرفته در این بخش، مبتنی بر چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات است که اصطلاحاً به پیاز پژوهش معروف بوده و توسط ساندرز و همکاران (۲۰۰۹) ارائه شده است.



شکل ۳. پیاز فرایند پژوهش (اقتباس از دانایی فرد و همکاران. ۱۳۹۴)

با توجه به چارچوب تحلیل ارائه شده در شکل ۳، سطح اول تحلیل روش‌شناسی به ارزیابی جهت‌گیری پژوهش‌ها اختصاص دارد که شامل تحقیقات کاربردی، بنیادی، توسعه‌ای و ارزیابی ارزشیابی و ترکیبی (ترکیبی از متدها) می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد ۳۷ درصد از مطالعات انجام شده در حوزه آموزش کارآفرینی از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشند. پس از آن پژوهش‌های توسعه‌ای و ترکیبی هر کدام با ۲۳ و ۲۸ درصد و در انتها پژوهش‌های بنیادی و ارزشیابی با ۶ درصد قرار دارند. جدول ۳. توزیع وضعیت آثار برحسب جهت‌گیری پژوهش

جهت‌گیری پژوهش	کاربردی	توسعه‌ای	بنیادی	ارزشیابی	ترکیبی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۸	۲	۲	۱۰	۳۵
درصد	۳۷٪	۲۳٪	۶٪	۶٪	۲۸٪	۱۰۰٪

سطح دوم چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات به ارزیابی فلسفه پژوهش‌ها اختصاص دارد با توجه به جدول ۴، پژوهش‌هایی که تحت فلسفه ساخت‌گرایی انجام شده‌اند، بیشترین تعداد تحقیقات را به خود اختصاص داده و در رتبه بعد، پژوهش‌های اثبات‌گرایی قرار دارد. پژوهش‌های انتقادی و فرااثبات‌گرایی نیز در رتبه‌های بعدی می‌باشند. جدول ۴. توزیع وضعیت آثار برحسب فلسفه پژوهش

فلسفه پژوهش	ساختگرایی-تفسیری	اثبات‌گرایی	انتقادی	فرااثبات‌گرایی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۱۲	۶	۴	۳۵
درصد	۳۷٪	۳۴٪	۱۷٪	۱۱٪	۱۰۰٪

سطح سوم چارچوب تحلیل روش‌شناسی به ارزیابی رویکردهای پژوهشی مرتبط است. با توجه به جدول ۵، بیشترین رویکرد استفاده شده در پژوهش‌ها به رویکرد استقرایی-قیاسی اختصاص دارد و پس از آن، رویکردهای استقرایی، تطبیقی و قیاسی قرار دارند.

جدول ۵. توزیع آثار برحسب رویکردهای پژوهش

رویکردهای پژوهش	استقرایی- قیاسی	استقرایی	تطبیقی	قیاسی	جمع کل
فراوانی	۱۵	۱۳	۵	۲	۳۵
درصد	۴۳٪	۳۷٪	۱۴٪	۶٪	۱۰۰٪

سطح چهارم چارچوب تحلیل روش شناسی، ارزیابی روش پژوهش است که شامل تحقیقات کمی، کیفی و آمیخته است (جدول ۶). نتایج نشان می دهد بیشتر پژوهش ها از نوع کمی، پس از آن، پژوهش های کیفی و در نهایت پژوهش هایی قرار دارند که با روش آمیخته انجام شده اند.

جدول ۶. توزیع وضعیت آثار برحسب روش پژوهش

روش پژوهش	کمی و توصیفی	کیفی و تحلیلی	آمیخته و ترکیبی	جمع کل
فراوانی	۱۵	۱۳	۷	۳۵
درصد	۴۳٪	۳۷٪	۲۰٪	۱۰۰٪

سطح پنجم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، تحلیل استراتژی پژوهش است که شامل مطالعه موردی، اقدام پژوهی، قوم نگاری، تاریخی، داده بیاد، تجربی و آزمایشی، همبستگی و پیمایش می شود (جدول ۷). یافته ها نشان می دهد که در پژوهش های آموزش کارآفرینی بیشتر از روش پیمایش استفاده شده و پس از آن، روش های داده، همبستگی، مطالعه موردی و آزمایش استفاده شده است.

جدول ۷. توزیع وضعیت آثار برحسب استراتژی پژوهش

استراتژی پژوهش	پیمایش	همبستگی	مطالعه موردی	آزمایش	داده بنیاد	اقدام پژوهی	سایر موارد	جمع کل
فراوانی	۸	۶	۶	۵	۵	۲	۳	۳۵
درصد	۲۳٪	۱۷٪	۱۷٪	۱۴٪	۱۴٪	۶٪	۸٪	۱۰۰٪

سطح ششم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، اهداف پژوهش را بررسی می کند. همانطور که در جدول ۸ مشخص است، بیشتر پژوهش ها با هدف توصیف و اکتشاف شرایط انجام شده و سپس اهداف تبیین و پیش بینی، توصیف و اکتشاف قرار دارند.

جدول ۸. توزیع وضعیت آثار برحسب اهداف پژوهش

اهداف پژوهش	توصیفی - اکتشافی	تبیین و پیش‌بینی	توصیف	اکتشاف	جمع کل
فراوانی	۱۵	۹	۹	۲	۳۵
درصد	۴۳٪	۲۶٪	۲۶٪	۵٪	۱۰۰٪

سطح هفتم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی افق پژوهش اختصاص دارد. در مجموع پژوهش‌ها در افق‌های پژوهشی تک مقطعی و یا چند مقطعی انجام می‌شوند (جدول ۹). یافته‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های حوزه آموزش کارآفرینی تماماً در افق تک مقطعی انجام شده و تحقیقاتی در افق پژوهشی چند مقطعی صورت نگرفته و در طول زمان به انجام نرسیده است.

جدول ۹. توزیع وضعیت آثار بر اساس افق پژوهش

افق پژوهش	تک مقطعی	چند مقطعی	جمع کل
فراوانی	۳۵	۰	۳۵
درصد	۱۰۰٪	۰٪	۱۰۰٪

سطح هشتم از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰. توزیع وضعیت آثار برحسب شیوه گردآوری داده‌ها

شیوه گردآوری داده‌ها	بررسی اسناد و مدارک	ترکیب روش‌ها	پرسشنامه	مصاحبه	جمع کل
فراوانی	۱۴	۱۱	۸	۲	۳۵
درصد	۴۰٪	۳۱٪	۲۳٪	۶٪	۱۰۰٪

نهمین سطح از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۱. توزیع وضعیت آثار برحسب شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهش

شیوه گردآوری داده‌ها	بررسی اسناد و مدارک	ترکیب روش‌ها	پرسشنامه	مصاحبه	جمع کل
فراوانی	۱۴	۱۱	۸	۲	۳۵
درصد	۴۰٪	۳۱٪	۲۳٪	۵٪	۱۰۰٪

دهمین سطح از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به شهر یا استان محل انجام پژوهش پرداخته است. جدول ۱۱ نشان می‌دهند ۵۷ درصد از تحقیقات صوت پذیرفته در استان تهران صورت پذیرفته است و سهم دیگر استان‌ها فقط ۴۳ درصد بوده است. نتیجتاً تمرکز اصلی پژوهش‌ها در استان تهران بوده است.

جدول ۱۲. توزیع وضعیت آثار برحسب شهر یا استان محل انجام پژوهش

استان محل انجام پژوهش	تهران	دیگر استان‌ها	جمع کل
فراوانی	۲۰	۱۵	۳۵
درصد	۵۷٪	۴۳٪	۱۰۰٪

یازدهمین و آخرین سطح نیز به توزیع وضعیت نوع دانشگاه‌ها (دولتی، آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی و دیگر انواع دانشگاه‌ها پرداخته است. توزیع جدول نشان دهنده بازده بالای تحقیقاتی دانشگاه‌های دولتی با نرخ ۶۳ درصدی نسبت به سایر انواع دانشگاه‌هاست. دانشگاه آزاد در دومین رتبه بازدهی تحقیقاتی با نرخ ۲۶ درصد نسبت به پیام نور و سایر است.

جدول ۱۳. توزیع وضعیت آثار برحسب نوع دانشگاه‌های انجام دهنده پژوهش.

نوع دانشگاه پذیرنده دانشجو	دولتی	آزاد	پیام نور	دیگر انواع دانشگاه‌ها	جمع کل
فراوانی	۲۲	۹	۲	۲	۳۵
درصد	۶۳٪	۲۶٪	۵٪	۵٪	۱۰۰٪

ج: یافته‌های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه

بخش سوم به ارائه یافته‌های رویکردی در تحقیقات حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه اختصاص دارد. فراتحلیل انجام شده در این بخش مبتنی بر چارچوب کلی تحلیل رویکردها و روندها است که توسط ذاکر صالحی و قانع‌ی راد ارائه شده است. این چارچوب شامل بررسی موضوعات هفت گانه‌ای است که عبارتند از روشهای توصیه رویکرد، محتوای رویکردی، پشتیبان رویکردی، زمینه رویکردها و راهکارها، نوع تغییر رویکردی، افق زمانی و سطوح رویکردی.

موضوع اول به بررسی پژوهش‌های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر توصیه رویکردی اختصاص دارد. این رویکردها را می‌توان بر حسب سه دسته کلی بررسی کرد. در ادامه، هر یک از روش‌های دسته‌بندی به همراه جزئیات، مولفه‌ها و مبنای تئوریک آن تشریح و نتایج تحلیل داده‌ها در هر یک از رویکردها ارائه می‌شود.

دسته بندی اول، به ارائه توصیه‌های رویکردی در قالب عوامل نهادی رسمی و غیر رسمی اشاره دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش آلوارز و همکاران (۲۰۱۱) است که راه کارهای رویکردی را به عوامل نهادی رسمی (نظیر عوامل مالی، خط مشی‌های دولت، زیر ساخت‌های تجاری، خدماتی و فیزیکی، حقوق مالکیت معنوی و ...) و غیررسمی (نظیر آموزش، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، فرصت‌ها و توانایی‌های راه اندازی کسب و کار، تصویر اجتماعی کارآفرین، گرایش به نوآوری و ...) تفکیک کرده است. با توجه به این رویکرد، ۲۴ درصد پژوهش‌ها در عوامل نهادی رسمی، ۲۵ درصد در عوامل نهادی غیررسمی، ۲۲ درصد در ترکیب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی توصیه‌هایی داشته‌اند. ۲۹ درصد از پژوهش‌ها نیز توصیه‌های سیاسی در قالب عوامل نهادی ارائه نکرده‌اند.

دسته بندی دوم، به ارائه توصیه های رویکردی اثرگذار بر ایجاد فرصت ها، انگیزه ها و مهارت ها توانایی ها توجه دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش لند ستروم و استیون سون (۲۰۰۵) است که توصیه های رویکردی را برای کار آفرینی در کشورها را به عوامل انگیزشی (نظیر هوشیاری کارآفرینانه توزیع اطلاعات، الگوی نقش)، فرصت (نظیر سهولت ورود و خروج، کاهش موانع راه اندازی و رشد، رقابت، قوانین ورشکستگی، انعطاف پذیری بازار کار و مهارت (آموزش کارآفرینی، یادگیری استفاده از دانش، تخصص در کسب و کارهای مخاطره آمیز، شبکه های همتایان) تفکیک کرده است. با توجه به این رویکرد، ۱۴ درصد از راه کارها به توسعه فرصت ها، ۱۱ درصد به توسعه مهارت ها و ۶ درصد به توسعه انگیزه ها توجه داشته اند. همچنین ۳۸ درصد از پژوهش ها، ترکیبی از راهکارهای توسعه فرصت، مهارت و انگیزش را در نظر گرفته و ۳۱ درصد از پژوهش ها نیز توصیه های رویکردی در قالب این عوامل ارائه نکرده اند.

دسته بندی سوم، به ارائه توصیه های رویکردی در قالب تقویت سمت عرضه با تقاضای کارآفرینی اختصاص دارد. این رویکرد مبتنی بر پژوهش ورهال و همکاران (۲۰۰۱) است. سمت تقاضای فرصت هایی از راه تقاضای بازار برای برنامه ها و محصولات ایجاد می کند و به واسطه عواملی مانند توسعه فناوریانه، تقاضای مصرف کنندگان، ساختار اقتصاد و ... تحت تاثیر قرار می گیرد. سمت عرضه نیز تحت تأثیر عواملی همچون ساختار جمعیتی، تراکم جمعیت، توانایی افراد و خصوصیات کارآفرینی آنها قرار می گیرد. با توجه به این رویکرد، ۳۵ درصد از پژوهش ها توصیه هایی در رابطه با بهبود سمت عرضه کارآفرینی، ۱۸ درصد به تقاضای کارآفرینی، ۱۵ درصد به هر دو سمت عرضه و تقاضا داشته اند. ۳۲ درصد پژوهش ها توصیه ای در این خصوص ارائه نکردند.

موضوع دوم در بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر محتوای رویکردی (ارائه راهکار و روندها) است. برای بررسی این موضوع، الگوی جامع سیاست گذاری کارآفرینی که توسط آنکتاب ارائه شده، در نظر گرفته شده که شامل ۵ شاخص بهینه سازی محیط آموزشی، بهبود دسترسی به منابع مالی، ارتقای آموزش و مهارت های کارآفرینی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری در آموزش، ترویج هوشیاری و شبکه سازی کارآفرینانه است. ۸ درصد از پژوهش ها به موضوعات مالی، ۲۳ درصد به ارتقای آموزش و مهارت، ۷ درصد پژوهش ها به هر یک از موضوعات بهینه سازی محیط آموزشی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری، ترویج هوشیاری و شبکه سازی کارآفرینی، ۳۸ درصد به ترکیبی از موضوعات فوق و ۲۳ درصد پژوهش ها به هیچکدام از موضوعات اشاره ای نداشتند. موضوع سوم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر پشتوانه سیاستی جامعه پژوهش است. منظور از پشتوانه سیاستی، پشتوانه نظری و فکری یا تجربی برای ارائه راهکارها و رویکردها است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۶۸ درصد از سیاست ها و راهکارهای بیان شده در آثار تحت بررسی از پشتوانه نظری و فکری و ۳۲ درصد نیز از پشتوانه تجربی برخوردار بوده اند. موضوع چهارم، بررسی پژوهش ها از نظر زمینه رویه ها و راه کارها است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۷۲ درصد از رویه ها و راهکارها، تک زمینه ای و ۲۸ درصد چند زمینه ای بوده است.

موضوع پنجم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر نوع تغییر رویکردی است و اشاره به این دارد که راه کارها و سیاستها، نظر به تغییر ساختارها دارند یا رفتارها و کارکردها. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۳۷ درصد از سیاست ها و راهکارها به تغییرات ساختاری، ۲۸ درصد به تغییرات رفتاری کارکردی و ۳۵ درصد سیاست ها و راه کارها نیز به هر دو وجه از تغییرات ساختاری و تغییرات رفتاری کارکردی توجه دارند.

موضوع ششم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر افق زمانی تغییرات پیشنهادی است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۴۲ درصد از توصیه های رویکردی در افق زمانی کوتاه مدت، ۳۵ درصد در افق زمانی میان مدت و ۲۳ درصد در افق زمانی بلند مدت قرار دارند.

موضوع هفتم نیز بررسی پژوهش ها از نظر سطوح رویکردی است که رویکرد ها را در سه سطح ملی و فرابخشی، بخشی و فردی - سازمانی ارائه می کند. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۳۴ درصد از رویکردها و راه کارها در سطح ملی و فرابخشی، ۵۲ درصد از رویکرد ها و راهکارها در سطح بخشی و ۱۴ درصد از رویکرد ها و راه کارها در سطح فردی سازمانی پیشنهاد شده است.

جدول ۱۱. تحلیل کلی یافته های آموزش شغلی کارآفرینانه

ردیف	متغیرهای تحلیلی	مقوله های تحلیلی	فراوانی	درصد
۱	سطح رویکردی ۱	عوامل نهادی رسمی	۸	۲۴
		عوامل نهادی غیررسمی	۹	۲۵
		ترکیبی از عوامل نهادی رسمی و غیررسمی	۷	۲۲
		هیچ کدام	۱۰	۲۹
		جمع	۳۵	۱۰۰
۲	سطح رویکردی ۲	توسعه فرصت ها	۵	۱۴
		توسعه انگیزه ها	۳	۱۱
		توسعه مهارت ها	۲	۶
		ترکیبی از فرصت ها و انگیزه ها و مهارت ها	۱۳	۳۸
		هیچکدام	۱۱	۳۱
		جمع	۳۵	۱۰۰
۳	سطح رویکردی ۳	عوامل سمت عرضه کارآفرینی شغلی	۱۲	۳۵
		عوامل سمت تقاضای کارآفرینی شغلی	۶	۱۸
		ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای کارآفرینی شغلی	۵	۱۵
		هیچکدام	۱۱	۳۲
		جمع	۳۵	۱۰۰
۴	محتوای رویکردی	بهینه سازی محیط آموزشی	۴	۷
		بهینه سازی دسترسی به منابع مالی	۴	۸
		ارتقای مولفه های آموزشی و مهارت های کارآفرینی	۷	۲۳
		ترکیب عوامل مذکور	۱۱	۳۸
		هیچکدام	۸	۲۴
		جمع	۳۵	۱۰۰
۵	پشتوانه رویکردی	پشتوانه نظری و فکری آموزش شغلی	۲۴	۶۸
		پشتوانه تجربی برنامه ها و دوره های آموزشی	۱۱	۳۲

۱۰۰	۳۵	جمع		
۷۲	۲۵	تک زمینه ای	زمینه رویکردها و راهکارها	۶
۲۸	۱۰	چندزمینه ای		
۱۰۰	۳۵	جمع		
۳۷	۱۳	تغییر ساختارها و چارچوب ها	نوع تغییر رویکردی	۷
۲۸	۱۰	تغییر رفتارها و کارکردها		
۳۵	۱۲	ترکیب عوامل تغییرساختارها، رفتارها و کارکردها		
۱۰۰	۳۵	جمع		
۴۲	۱۵	کوتاه مدت	افق زمانی	۸
۳۵	۱۲	میان مدت		
۲۳	۸	بلندمدت		
۱۰۰	۳۵	جمع		
۳۴	۱۲	سطح ملی و فرابخشی	سطوح رویکردی	۹
۵۲	۱۸	سطح بخشی و استانی		
۱۴	۵	سطح فردی سازمانی		
۱۰۰	۳۵	جمع		

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مطالعات آموزش شغلی کارآفرینانه در ایران انجام شده است. بدین منظور از تکنیک فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی استفاده شده، فلسفه و روش شناسی، محتوا و دانش و الگوهای موجود از جنبه های مختلف بررسی و تحلیل شدند. در ادامه چشم اندازهایی در قالب پیشنهادها و توصیه های رویکردی ارائه می شوند.

با توجه به اینکه اثرگذاری آموزش های شغلی کارآفرینانه بین تمام افراد جامعه و گروه های مختلف از لحاظ سطح تحصیلات، پایگاه و طبقه اجتماعی، سطح و مکان فعالیت و متفاوت است. توصیه می شود پژوهش های این حوزه معطوف به تمام سطوح و حوزه های جامعه باشد. چرا که علم کارآفرینی و آموزش شغلی و حرفه ای مبتنی بر آن، از نوع میان رشته ای بوده و نیازمند در نظر گرفتن جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قانونی، فناوری و سیاسی است. و از طرفی دیگر، بخش قابل توجهی از فعالیت های کارآفرینانه در جامعه توسط گروه های اقلیت از جمله زنان، مهاجران، جوانان، اقلیت های دینی و مذهبی، معلولین و ... انجام می شود در حالیکه برنامه های آموزشی قابل توجهی برای این گروه ها تنظیم نشده و به تبعیت از آن، پژوهش هایی که به طور خاص به این افراد پرداخته باشند بسیار کم و محدود است. به عنوان نمونه، زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند در حالیکه برنامه های آموزشی که به طور منسجم و مشخص به آموزش شغلی کارآفرینی زنان پرداخته باشند، وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می شود سیاست گذاران و محققان و برنامه ریزان آموزشی به طیفی گسترده از گروه های مختلف توجه داشته باشند.

نکته قابل توجه در تحقیقات آموزش شغلی کارآفرینانه در کشورمان، انجام تحقیقات با تخصص های متنوع و به صورت تیمی و گروهی و همچنین محورهای موضوعی متنوع است. تنوع رشته ها در پژوهش های حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه در میان رشته ای بودن این حوزه پژوهشی تاکید دارد و انجام تحقیقات به صورت تیمی و گروهی در محورهای موضوعی متنوع، بر مشارکت هدفمند و متمرکز محققان که این مهم، نیازمند تایید و توسعه است.

در موضوعات مرتبط با روش شناسی تحقیقات پیشین، از نظر جهت گیری پژوهش، بیشتر پژوهش ها کاربردی بوده و تنها ۳ درصد آنها به ارزیابی برنامه ها و دوره های آموزشی اختصاص داشته اند. این در حالی است که اهمیت ارزیابی آموزش شغلی بر کسی پوشیده نیست و بدون ارزیابی این فرآیند ناقص خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می شود تحقیقات این حوزه به ارزیابی آموزشهای شغلی کارآفرینانه و نتایج برنامه های تدوین شده در اسناد کلان کشوری همچون برنامه ششم توسعه کشور، برنامه های اشتغال فراگیر و سند برنامه درسی ملی، قانون نظام جامع آموزش و ... بپردازند. با ارزیابی این برنامه ها می توان عملکرد تدوین کنندگان و اجرا کنندگان سیاست ها را پایش کرده و بازخوردهای مناسب ارائه کرد.

از نظر فلسفه پژوهش نیز بیشتر پژوهش ها در فضای اثبات گرایی و تفسیری بوده و کمتر پژوهشی با رویکرد فلسفه فرااثبات گرایی انجام شده است. با توجه به اهمیت ارزیابی و مطالعه فراتطبیقی در فرآیند آموزش شغلی، توصیه می شود پژوهش های بیشتری با فلسفه فرااثبات گرایی، به مطالعه کلان برنامه ها و دوره های آموزشی کارآفرینی انجام شوند.

از دیگر موضوعات قابل توجه در پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه، افق پژوهشی است. عمده تحقیقات این حوزه به صورت تک مقطعی بوده اند و داده های مورد نیاز برای انجام پژوهش در یک مقطع زمانی گردآوری شده است. این در حالی است که آموزش شغلی، فرآیندی پویا است و پژوهش در این حوزه نیازمند انجام یک فرآیند طولی و چند مقطعی در گذر زمان است. هر چند انجام پژوهش هایی در طول زمان، نیازمند زمان، هزینه و طی کردن فرآیند پیچیده تری نسبت به تحقیقات مقطعی است اما از آنجا که آموزش شغلی یک فرآیند است و نتایج برنامه های منظم طراحی شده در طول زمان آشکار می شود. بنابراین انجام پژوهش های طولی و چند مقطعی برای تحلیل الگوها ضروری است. در رویکردهای آموزشی آنچه اهمیت دارد، نگاه نظام مند و همه جانبه است. بدیهی است آموزش شغلی کارآفرینی معطوف به در نظر گرفتن و رشد همه جانبه بخش ها و عوامل مختلف است و توجه به بخش خاص و بی توجهی به سایر بخش ها، نتیجه ای جز اتلاف زمان و سایر منابع نخواهد داشت.

در رویکردهای سه گانه بررسی شده نشان می دهد که در رویکرد اول، تنها ۲۲ درصد از تحقیقات، ترکیبی از عوامل نهادی و غیر نهادی را در نظر داشته و عوامل نهادی و غیر نهادی به تفکیک سهم قابل توجهی از درصد پژوهش ها را به خود اختصاص داده و تنها ۲۹ درصد از پژوهش ها هیچ محوری را در نظر نگرفته است. یا در رویکرد دوم، ۳۸ درصد از تحقیقات به ترکیبی از انگیزه ها، فرصت ها و مهارت ها توجه کرده اند. اما پژوهش هایی که هیچ رویکردی نداشته اند حدودا ۳۱ درصد بوده اند که نشان از بی توجهی به مولفه ها و شاخص های کارآفرینی در برنامه ها و دوره های آموزشی است. در رویکرد سوم نیز ۱۵ درصد از تحقیقات به ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای آموزش کارآفرینی توجه کرده اند و ۳۵ درصد به تنهایی به جنبه عرضه آموزش پرداخته اند و تقاضای آموزش کارآفرینی ۱۸ درصد بوده که نشان از عدم تطابق عرضه و تقاضا است در بخش رویکرد ترکیبی، صرفا ۱۵ درصد دو عامل عرضه و تقاضای آموزش را پوشش داده است. و ۳۲ درصد نیز به هیچ مولفه عرضه و تقاضایی نپرداخته که نشان از ضعف حوزه پژوهشی تطبیق عرضه و تقاضاست و نیازمند انجام پژوهش گام به گام هر دو جنبه عرضه و تقاضای آموزش شغلی کارآفرینانه است.

سپاسگزاری

پژوهش از رساله دکتری پژوهشگر استخراج شده است. آقای دکتر حسین عبدالهی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر جورج ایمنیزی (عضو هیات علمی دانشگاه ترینیتی و سترن کانادا) برای در اختیار گذاشتن نرم افزار جامع فراتحلیل و مشورت های ارزشمند در خور تقدیر ویژه اند.

منابع

آقا محمدی، جواد. (۱۳۹۸). توسعه ویژگی های شخصیتی کارآفرینی: تحلیل محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید دوره متوسطه نظری از منظر میزان انعکاس ویژگی های شخصیتی کارآفرینی. مجله راهبرد توسعه، ۵۷: ۱۸۳-۲۰۴.

احمدپور داریانی، محمود؛ عرفانیان، امیر، (۱۳۹۳). نقش و جایگاه کارآفرینی در نیل به رشد و توسعه اقتصادی، مجله اقتصادی، سال هفتم، شماره ۶۹-۵۲.

اکبری، کرامت الله (۱۳۹۰). توسعه کارآفرینی. تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.

پیکری فر، فاطمه، و مه نگار، فرشاد. (۱۳۹۱). بررسی نقش دانشگاه ها در توسعه کارآفرینی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان. دانشگاه مازندران.

چهاربند، اسفندیار. (۱۳۹۱). الگوی برنامه درسی پودمانی بر پایه استاندارد شایستگی حرفه ای و تعلیم و تربیت استثنایی، ۹۱(۱۱۱): ۶۶-۵۱.

حسین نژاد، مهدی. (۱۳۹۵). آموزش کارآفرینی، توسعه علمی، برنامه ای برای آینده، اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در علوم فنی و مهندسی.

حکمت اندیش، علی. (۱۳۹۳). مبانی کارآفرینی، انتشارات هشت کتاب، قم.

خاتمی، علی و شاه حسینی، حامد. (۱۳۹۱). وضعیت شاخص های کارآفرینی در بین دانش آموزان شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کار دانش. فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴(۱): ۳۲-۴۵.

دانایی فرد، حسن. روش شناسی تدوین خط مشی ملی کارآفرینی کش، ر، چارچوب مفهومی. فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال ۸. شماره ۶

ذاکر صالحی، غلامرضا. قانع راد، سیدمحمدامین. (۱۳۹۴). مرور نظام مند و فراتحلیل پژوهش های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری. فصلنامه مطالعات اجتماعی. ایران. دوره ۹. شماره ۲.

سلجوقی، خسرو. (۱۳۹۲). نقش آموزش های کارآفرینی در نظام های آموزشی و پرورشی ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. نامه سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۲.

سمنار طرح کاد، ۱۳۶۳، مجله پیوند، شماره ۶۰

صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه (۱۳۹۵). فراتحلیل پژوهش های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۳۳.

مرادی، حوریه؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ و کرمی، غلامحسین. (۱۳۹۰). نگاهی به ضرورت های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی. ماهنامه کارآفرین تاب، ۱۸: ۳۹.

نادری، احمد (۱۳۹۶). فراتحلیل مشارکت دانشجویان ایرانی، مطالعه اثربخشی عوامل تبیین کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی- اجتماعی و نهادی، فصلنامه مطالعات جامعه شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵). پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران. گزارش اول. شناخت وضع موجود مبتنی بر شاخصه های GEL. معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال.

Acs, Z. J., Szerb L. & Autio E. (2016). Enhancing Entrepreneurship Ecosystems. A Systems of Entrepreneurship. Approach to Entrepreneurship Policy. In: Global Entrepreneurship and Development Index 2015. Springer Briefs in Economics. Springer, Cham.

Audretsch, D. B. (2014). From the entrepreneurial university to the university for the entrepreneurial society. Journal of Technology Transfer, 39(3), 313.